

مایا کوفسکی

نوآور بزرگ ادبیات منظوم

بمناسبت هفتادمین سال از تاریخ تولد

درماه ژوئیه سال جاری هفتادسال از تاریخ تولد ولادیمیر مایا کوفسکی خواهد گذشت که بحق پرچمدار ادبیات منظوم شوروی و تمام ادبیات انقلابی جهان شناخته شده است . نام او اکنون دیگر حالت افسانه‌ای پیدا کرده است .

مینویسند : « برازنده بود که او بر نیروهای قهری طبیعت استیلا یابد . او مانند تمثالهایی که بوجود آورده است ، توانا بود . مانند نبرد ناوی دریای مرده سنن پوسیده ادبی را درهم میشکافت » . حکایت میکنند « درسالهای جنگ‌های داخلی در روسیه او بجهبه‌های جنگ میرفت و در سنگرها اشعار خود را میخواند . مردم از اشعار او الهام گرفته ، بی‌مهابا بجنگ میشتافتند . او با صدائی رسا ، مانند صدای طیاره ، در رادیو آثار خود را میخواند و مردم آن اشعار را فوراً حفظ میکردند . او زیر پلاکاتها مطالبی با حروف درشت بارئفاع يك پا مینوشت ... » بدین نحو وقایع با خیالبافی‌ها آمیخته میشود . ولی باید دید که آیا خیالبافی از واقعیت خیلی دور است ؟

بدیهی است که اشعار مایا کوفسکی با طبیعت او پیوند ناگسستنی دارد و از آنچه که وجود و شخصیت او بود تفکیک ناپذیر است . هر شخصی که سعادت دیدار او را داشته‌است میدانند که جان آن آدم با انقلاب بسته بود و خود او یکی از بهترین موجوداتی بود که انقلاب بوجود آورده بود : او زادهٔ انقلاب بود و بنوبت خود انقلاب را با حد اعلاى قدرت و کمال شاعرانه تعریف و بیان میکرد .

روسیه در راهی پیش میرفت که در تاریخ سابقه نداشت. قبل از همه روسیه نو آور با عظمتی بود. عصر جدید تاریخی که مفاد آثار مایا کوفسکی عبارت از آن بوده با انقلاب آغاز گردید. از سیزده جلد میراث ادبی



ولادیمیر ولادیمیروویچ مایا کوفسکی (۱۸۹۳ - ۱۹۳۰)

مایا کوفسکی، دوازده جلد را بعد از انقلاب ساخته است. او ادبیات منظوم و شعرا با واقعیت نزدیک کرده آنرا بخدمت نیازمندیهای معاصر گماشت و تبدیل به سلاحی برای مبارزه با جهان کهن نمود.

مایا کوفسکی به « ارتشهای هنرها » احکام صادر میکرده ، در سینما و فیلم شرکت مینمود ، نخستین نمایشنامه شوروی را بوجود میآورد ، برای بچه‌ها داستان مینوشت ، باده‌ها مجلات و روزنامه‌ها همکاری میکرد ، در کشور زادگاهش و در تمام جهان سفر میکرد ، اشعار خود را میخواند و سخنرانی میکرد . پانتومیم او درسیرک اجراء میشد ، روی کالاهای شوروی و کلام‌های موجز او مشاهده میشد ، درخیابانها مارش‌های رزمی او می‌پیچید حماسه زندگی نوین ، آینده درخشان میهن - تمام اینها مفاد آثار او بودند اعم از اشعار و نمایشنامه‌ها و منظومه‌های « خیلی خوب است ! » ، « ولادیمیر ایلیچ - لنین » و « باصدای رسا » .

آثار مایا کوفسکی بمنزله اوراق تاریخ سالهای مقدم بر انقلاب و سیزده سال اول توفانی بعد از انقلاب است . مخصوصا همین هم موجذنو - آوری او بوده است . او جهانی جدید از آرمانها و احساسات باخودبادیبات وارد کرد که در شعر و ادبیات منظوم نظیر و مانند نداشت .

لیکن آرمانها و احساسات هرچه که باشد ، بدون کلامی که آنها را بیان میکنند ، نمیتواند عرض وجود کند . آنها در کلام جنبه مادی و تجسم می‌یابند . شاعران مختلف کلام‌های مختلف دارند . بطرزهای مختلف تلفظ میشود ، بطرزهای مختلف تلفین مییابد ، بطرزهای مختلف رسا و قابل درک است ... مهم این است که قالب شعری با مفاد آن مطابقت داشته باشد ، مهم این است که آنچه گفته شده و اینکه چگونه گفته شده است وحدت داشته باشد . آخر تمثال ، وزن ، قافیه - تمام اجزاء شعر - ناشی از فکر است . طرز تفکر شاعرانه - طرز تفکر نسبت به تمثالها است .

مایا کوفسکی قانونهای کهنه غیر شاعرانه را که بیان شاعرانه را بی روح میکرد باجراثم درهم می‌شکست . او از اشعار کلاسیک لذت میبرد و وجود می‌آمد ، ولی بنده آنها نمیشد . او باعزم راسخ میگفت : « هنر باید با زندگی درهم آمیخته بشود (مانند فعالیت شدید حیاتی باشد) یا باید درهم آمیخته بشود ، یا باید نابود بشود » این مطلب هم شامل مفاد است و هم شامل شکل و قالب .

روسیه از راه دشوار ناآزموده‌ای پیش میرفت . شاعر مزبور برای خویشتن هم طالب راه آسان و آزموده نبود .

شعار او این بود : « شعر - سراسر - سفر به ملک مجهول است »

او درباره کار خود چنین می‌گفت: «... در کجا، چه وقت، کدام شخص با عظمت راهی انتخاب می‌کرده است که کوبیده و سهیل تر باشد؟»

در نوآوری واقعی قطع رابطه مطلق با تمام گذشته، آنچیزی که «نقی بیپوده» نامیده میشود، نمیتواند وجود داشته باشد. در اشعار مایا کوفسکی هم آنچه که او را با سنن دموکراتیک پیشرو ادبیات کلاسیک روس پیوند داده است کاملاً مشهود است. ولی اشعار او - تکرار معلوم نیست بلکه کشف چیزهای تازه هم هست، در جازدن و پایا کردن نیست، بلکه حرکت بجلو و غنی‌تر کردن سنن است.

در مقاله‌ای که به تجلیل خاطرۀ آلکساندر بلوک شاعر نامی روس اختصاص یافته، مایا کوفسکی چنین نوشته بوده است:

«... بلوک در تمام ادبیات منظوم معاصر تأثیری عظیم نموده است. بعضی اشخاص هنوز هم نمیتوانند خود را از سطور اشعار سحرانگیز او خلاص کنند... برخی دیگر بر رومان‌تیسیم دوران اول شاعری او غلبه کرده اعلان جنگ شاعرانه بآن داده‌اند، و روح خود را از شکسته‌های سمبولیسم پاک کرده، پی اوزان تازه را میریزند، سنگهای تمثالهای جدید را روی هم می‌گذارند، سطور را با قوافی جدید بیکدیگر محکم وصل میکنند، کار قهرمان‌واری انجام میدهند که ادبیات منظوم آینده را بوجود می‌آورد».

خود ولادیمیر مایا کوفسکی شاعر نوآور عظیم‌الشان هم جزو همان و «برخی دیگر» بوده است. نامبرده کاشف قارۀ عظیم جدیدی است که عبارت است از - ادبیات منظوم شوروی.